

## رسوخ ضعف و بی ثباتی در دیپلماسی سعودی

نگاهی به عملکرد سیاسی عربستان در دو سال اخیر حاکی از ضعف روزافزون این کشور و از بین رفتن نفوذ منطقه‌ای آن و خودکشی سیاسی است.



به گزارش آرآن نیوز: به نقل از روزنامه الاخبار، ارزیابی مجموعه عملکرد سیاسی عربستان در دو سال اخیر از جمله پیش بردن تنش با قطر تا قطع روابط دیپلماتیک با این همسایه کوچک حاکی از ضعف روزافزون سیاسی عربستان و از دست دادن نفوذ منطقه‌ای آن است.

مقایسه عملکرد سیاسی ریاض در زمان ملک سلمان با دوران ملک عبدالله

با گذشت دو سال از پادشاهی ملک سلمان به نظر می‌رسد، عربستان در مقایسه با دوران پادشاهی ملک عبدالله بن عبدالعزیز از نظر سیاسی ضعیف‌تر شده است و با وجود اقداماتی مانند جنگ در یمن تحت عنوان توفان قاطعیت ریاض نتوانسته است «نقش رهبری» را که بسیاری از متحدان سعودی و حتی دشمنان منطقه‌ای آن آرزوی تحققش را داشتند، عملی سازد.

حکومت آل سلمان و سردرگمی و بلاتکلیفی

تنش موجود با قطر یکی از نشانه‌های این ضعف است، زیرا عربستان در اختلافی شدید با این همسایه کوچک تا قطع روابط دیپلماتیک با آن پیش رفت. علاوه بر این اخبار مربوط به اینکه محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی بود که محمد بن سلمان و ریاض را به سمت شدت تنش با قطر سوق داد، نشانه دیگری بر ضعف سیاسی عربستان است.

تلاش امارات برای پادشاهی محمد بن سلمان

نشانه دیگر اینکه برخی اخبار حاکی از این است که امارات با حمایت از پرونده محمد بن سلمان در واشنگتن تلاش دارد او پادشاه آینده عربستان باشد و این نشانه می‌دهد تسلط عربستان بر عرب‌های منطقه خلیج فارس از بین رفته است تا جایی که همسایه اماراتی آن در پرونده آینده‌اش ایفای نقش می‌کند.

خلل دیپلماسی عربستان

از سوی دیگر با گذشت سه هفته از بحران روابط عربستان و متحدانش با قطر، شکی باقی نمانده است که دیپلماسی سعودی با خلل روبه‌رو است تا جایی که عادل الجبیر وزیر خارجه این کشور از ایفای نقشی هم‌تراز با نقشی که یوسف العتیبه سفیر امارات در واشنگتن یا انور قرقاش وزیر مشاور امور خارجه این کشور ایفا می‌کند، ناتوان مانده است.

بی‌خبری عادل الجبیر از تحولات مربوط به تنش روابط با قطر

به عنوان مثال در همان شبی که عربستان، امارات، بحرین و مصر از قطع روابط با قطر خبر دادند، عادل الجبیر در قاهره بود و روز بعد معلوم شد وی از تحولات مربوط به این موضوع به طور کامل با خبر نبود.

این وضعیت آشکارا حاکی از ضعف و تزلزلی است که دیپلماسی عربستان امروز با آن دست به‌گریبان است.

خلأ درگذشت سعود الفیصل و جانشینی الجبیر

شاید دلیل اصلی این ضعف، خلا ناشی از درگذشت سعود الفیصل و جانشینی الجبیر بود، شخصی که از دستیابی به جایگاهی در داخل قصر پادشاهی ناتوان ماند تا جایی که برخی از دیپلمات‌های عرب در صحبت‌های خصوصی خود از نبود یک همتای سعودی که بتوانند با او مسائل دو جانبه را مورد بحث و بررسی قرار دهند، شکایت دارند و حتی برخی از آنان از نبود راهکاری برای تماس با ریاض ناراضی هستند زیرا وضعیت به گونه‌ای است که اکتفا کردن به تفاهم با وزیر خارجه سعودی کافی نیست بلکه باید به طور مستقیم با محمد بن سلمان در تماس بود.

شکایت دو امیر سعودی از محمد بن سلمان به پادشاه

به هر حال رویکردهای ملک سلمان برای گسترش اختیارات محمد بن سلمان موجب اختلاف بین امیران خاندان حاکم سعودی شد و تا کودتای کنونی پیش رفت و جالب اینکه دو امیر سعودی تابستان گذشته در دیدار با ملک سلمان در حضور او از اقدامات محمد بن سلمان ابراز نارضایتی کردند.

این در حالی است که شخصیت و مسیری که پادشاه سعودی در پیش گرفته است به نوبه خود زمینه ساز بحران دیگری است و آن اینکه او نتوانست خلا ناشی از نبود ملک عبدالله را پر کند؛ کسی که یکی از ستون‌ها و طراحان «نظام قدیم عربی» بود.

دوران ترس و نگرانی در عربستان

سیاست منطقه‌ای عربستان در دوران ملک سلمان با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بود که با تلاش برای تشکیل «ائتلاف سنی» با حضور ترکیه و گروه اخوان المسلمین آغاز شده و تا کودتا علیه آنان پیش رفت و این چیزی است که تصویر ضعف رویکردهای منطقه‌ای کنونی عربستان را نمایان می‌سازد.

در همین ارتباط «والتر راسل مید» استاد روابط بین‌الملل در مقاله‌ای که به تازگی در «وال استریت ژورنال» منتشر شد، نوشت: ترس محرک ریاض در سطح خارجی است به ویژه پس از آنکه باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا به توافق هسته‌ای با

ایران دست یافت، ریاض احساس بی ثباتی کرد.

این ترس در رویکردهای منطقه ای عربستان به خوبی نمود یافته است که نمونه آن تلاش برای عادی سازی روابط با اسرائیل است و یا نمونه دیگر اظهارات تهدید آمیز عادل الجبیر و حتی محمد بن سلمان علیه تهران و تهدید به انتقال جنگ به داخل خاک ایران بود.

نمونه دیگر از این ترس سعودی، واکنش شدید ریاض به تحرکات مسالمت آمیز اهالی قطیف در شرق عربستان و نیز تحولات بحرین است.

به هر حال ترس سیاست منطقه ای را به سمت سردرگمی هرچه بیشتر و خودکشی سیاسی پیش می برد و شاهد این وضعیت سردرگمی ریاض در قبال سوریه و عراق است که به آن تحت عنوان حیاط پشتی کشمکش با ایران می نگرند.

عربستان نیازمند منجی برای رهایی از خودکشی سیاسی

صرف نظر از اینکه چه کسی قدرت در عربستان را در دست می گیرد، باید گفت این کشور بیش از هر زمان دیگری به کسی نیاز دارد که آن را از خودکشی نجات دهد و از «دغدغه ترس و نگرانی» نجات دهد به ویژه اینکه ملک سلمان به اندازه کافی در صحنه حضور ندارد و همانطور که حسنین هیکل چند ما پیش از درگذشتش گفت، نسل کم سن و سال های متکبر و مغرور قدرت را در دست گرفته اند.